

<https://www.aftabekherad.ir>

Social surveillance models: based on enjoining good and forbidding evil

Mohammad Hadi Fallahzadeh^۱
Ali Ebrahimi^۲

Received: 2020/09/29

Accepted: 2020/10/18

Abstract

Maintaining social order and order in the current complex world where social, discursive, political, etc. distinctions and conflicts have become widespread is considered one of the fundamental concerns of social management and stability. Creating appropriate, efficient mechanisms that are in line with the changing conditions and necessities of the new world for the development of social supervision is an inevitable necessity that all human communities emphasize and constantly renew. Religion and religious beliefs, because they play a fundamental role in internalized patterns of individual control by emphasizing moral systems, continue to maintain their position in many human communities in the process of organizing individual and social actions, creating coherence and generalized control. In Islamic teachings, mechanisms are emphasized and the role of religious orders and social responsibility is considered, which highlights the role of social supervision. The model of enjoining good and forbidding evil is one of the religious mechanisms that has been emphasized with the aim of deepening social commitment, a sense of collective responsibility, people's participation in maintaining and sustaining order, and creating and deepening social reform, which all components of society are required to implement with rules and criteria. In this article, an attempt has been made to discuss and examine religious models of social supervision with an emphasis on the criteria of enjoining good and forbidding evil, while referring to the dimensions of supervision in the sociological field.

Keywords: Social surveillance, enjoining good, forbidding evil, informal social control, social participation, religious model.

^۱ - Faculty Member, University of Islamic Religions and Denominationsiffalahzadeh@yahoo.com

^۲ - Social Researcher

الگوهای نظارت اجتماعی؛ بر پایه امر به معروف و نهی از منکر

محمدهادی فلاحزاده^۱

علی ابراهیمی^۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۷/۲۷

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۷/۰۸

چکیده

حفظ نظم و سامان اجتماعی در دنیای پیچیده کنونی که تمایزات و تعارضات اجتماعی، گفتمانی، سیاسی، ... روند گسترده‌ای یافته است از دغدغه‌های اساسی مدیریت و ثبات اجتماعی محسوب می‌شود. ایجاد سازوکارهای مناسب، کارآمد و منطبق با شرایط متحول و ضرورت‌های جهان جدید برای توسعه نظارت‌های اجتماعی ضرورتی گریزناپذیر است که تمامی اجتماعات بشری به اهمیت آن پای فشرده و مداوماً آن را نوسازی می‌نمایند. دین و باورهای دینی به این دلیل که با تأکید بر نظامات اخلاقی نقش بنیادینی را در الگوهای درونی شده کنترل فردی ایفا می‌نمایند، کماکان جایگاه خود را در بسیاری از اجتماعات بشری در روند سامان‌دهی بر کنش‌های فردی و اجتماعی، ایجاد انسجام و کنترل تعمیم‌یافته، حفظ کرده‌اند. در آموزه‌های اسلامی سازوکارهایی مورد تأکید قرار گرفته و در نقش دستورات دینی و مسئولیت اجتماعی، مدنظر قرار گرفته است که نقش نظارت اجتماعی را برجسته می‌دارد. الگوی امر به معروف و نهی از منکر از جمله سازوکارهای دینی است که با هدف تعمیق تعهد اجتماعی، احساس مسئولیت جمعی، مشارکت مردم در حفظ و پایداری نظم و ایجاد و تعمیق اصلاح اجتماعی مورد تأکید قرار گرفته است که تمامی اجزای جامعه با قواعد و معیارهایی ملزم به اجرای آن هستند. در این مقاله تلاش شده است ضمن اشاره به ابعاد نظارت در حوزه جامعه‌شناختی، الگوهای دینی نظارت اجتماعی با تأکید بر معیارهای امر به معروف و نهی از منکر مورد بحث و بررسی قرار گیرد.

کلیدواژه‌ها: نظارت اجتماعی، امر به معروف، نهی از منکر، کنترل اجتماعی غیررسمی، مشارکت اجتماعی، الگوی دینی.

۱. عضو هیأت علمی دانشگاه ادیان و مذاهب اسلامی ffalahzadeh@yahoo.com

۲. پژوهشگر اجتماعی

۱- مقدمه و طرح مساله:

اجتماع بشری بیش از هر عاملی به وابستگی، نظم، پایداری و عناصر پیونددهنده و تنظیم‌آفرینی بستگی دارد. تصور زندگی اجتماعی عاری از الگوهای انتظام‌بخش، انگاره‌ای محال است که امکان عینی آن وجود ندارد. زندگی جمعی از بدو تأسیس از طریق الگوهای قراردادی و یا تعیین معیارها و باید و نبایدهای محدود کننده و تسهیل‌کننده، سامان یافته و بدین طریق اعضا و اجزای جامعه توانسته‌اند به زیست مشترک دست یافته و ضمن تأمین نیازهای خود از امنیت هستی‌شناختی خود اطمینان حاصل نمایند. روابط متقابل و تعامل مستمر در سیر تکوینی تاریخ، خود مبتنی بر عناصر و الگوهایی بوده است که مسئولیت تنظیم‌بخشی جامعه بشری را عهده‌دار بوده‌اند. این روند علیرغم پیچیدگی فزاینده در جهان معاصر از همان منطبق پیشین تبعیت نموده و عناصر و معیارهای اساسی، الگوهایی هستند که انسان در تعامل مشترک آنها را بر ساخته و با استعانت از آنها تکالیف و حقوق را مشخص و رفتارها را تنظیم بخشیده است. عناصر و علل گوناگونی در طول تاریخ بشر مسئولیت پاسداری و پایداری روابط را عهده‌دار بوده است. در حالیکه در اجتماعات کوچک فشارهای هنجاری، مهمترین عامل برای تنظیم رفتارها و سامان‌دهی به روابط و ایجاد اطمینان از پای‌بندی به معیارهای هنجاری بوده است، در فرایند تکاملی بشر و اجتماعات انسانی و همچنین متعاقب پیچیدگی و تراکم روابط، مکانیزم‌های مکملی طراحی شده است که بتواند این روابط را سامان داده و تداوم تکالیف و حقوق اجزای جامعه را تضمین بخشد. اگرچه مکانیزم‌های سامان‌دهنده حقوقی و قانونی در اجتماعات مدرن نقش بنیادینی در سامان‌دهی و نظم‌بخشی به روابط و کنش‌های انسانی دارند، اما به میزانی که دانش، آگاهی‌های فردی، اجتماعی و توان ادراکی و تفهیمی اجزای جامعه رشد یافته است، به همان میزان نقش‌پذیری، تعهد و حضور و مشارکت مسئولانه اجزای جامعه برای ایفای نقشی مؤثر در ایجاد سامان و نظم اجتماعی نیز گسترش یافته است. امروز بخش عظیمی از کنترل‌های رفتاری چه در قلمرو کنش‌های فردی و چه در روابط و مناسبات اجتماعی، از طریق نظارت‌های هنجاری جامعه و نقش‌پذیری تشکلهای سازمان‌های مردمی اعمال می‌گردد. اعضای جامعه با درک از ضرورت‌های اجتماعی و آگاهی به مسئولیت‌های فردی در دستیابی به زیست جمعی مناسب، هوشمندانه و براساس آرامش و ثبات لازم، خود به صورت‌ها و اشکال متفاوت و در قالب‌های داوطلبانه از بنیان‌های نظم، قانون، هنجارها و ثبات اجتماعی، صیانت می‌نمایند. به تعبیر دقیق‌تر کنترل اجتماعی رسمی که از جانب نهادهای سازمان‌یافته مسئولیت دفاع و صیانت از بنیان‌های قانون را عهده‌دارند، در کنار کنترل‌های غیررسمی که از طریق حضور اثباتی اجزای جامعه و نقش‌پذیری داوطلبانه در فرایندهای اجتماعی تعین می‌یابد، امکان تداوم و پایداری نظم و

قانونمندی را فراهم آورده است. هر یک از سازمان‌ها و نهادهای اجتماعی نیز ضمن ایفای نقش‌های کارکردی خود، فرایند مشارکت و مسئولیت‌پذیری اجزای جامعه را تسهیل و نیروی عظیم مردمی در خدمت سامان و انتظام اجتماعی آمده است تا جامعه به ثبات و سکون مناسب و قابل انتظار دست یابد.

همیشه و در تمامی ادوار، افراد و جریان‌هایی در جامعه وجود داشته‌اند که به طرق مختلف آشکار یا پنهان، با پشت پا زدن به هنجارها و معیارهای اجتماعی و اصول و الگوهای رفتاری، در فرایند نظم و سامان اجتماعی اختلال ایجاد کرده‌اند. گاهی این وضعیت به گونه‌ای شدت می‌یابد که اعضای جامعه ایمان و ایقان خود نسبت به نظم هنجاری جامعه را از دست داده و با فرو نهادن تعهد و فردگرایی فزاینده، شالوده نظم و پایداری اجتماعی از هم گسیخته و جامعه بستر نابسامانی‌ها و عدم تعادل‌های گوناگون می‌گردد. بنابراین ثبات اجتماعی و نظم پایداری جامعه مستلزم باور جمعی به الگوهای هنجاری، معیارهای رفتاری و اصول و بنیان‌های اخلاقی است. با فروپاشی نفوذ نظارت‌کننده اجتماعی، شیرازه تنظیم اجتماعی از هم گسیخته و جامعه به کانونی از انواع بی‌نظمی و اختلالات مبدل می‌شود. تنها اعتماد و باور درونی اجزای جامعه به الگوهای رفتاری و اطمینان از تعهد همگانی به معیارهای تنظیم‌بخشی است که سامان اجتماعی از پایداری و ثبات و انسجام لازم برخوردار می‌گردد.

۲- مفهوم‌شناسی از نظارت اجتماعی

نظارت اجتماعی یکی از مفاهیم کلیدی در قاموس علوم اجتماعی است. این مفهوم در بسیاری از رشته‌ها و زمینه‌ها از جمله آموزش (ویلیس، ۱۹۷۷)، دولت رفاه (گاف، ۱۹۷۹)، الف (۱۹۸۴)، روان‌درمانی و روان‌پزشکی (هوروتیز، ۱۹۸۲)، محیط کار (زوبوف، ۱۹۸۸)، کنترل جرم (گارلند، ۲۰۰۱) مورد استفاده قرار گرفته است و از نظر مفهومی رابطه نزدیکی با نظم اجتماعی دارد. به بیانی دیگر مفهوم نظارت و کنترل اجتماعی در محدوده سؤالاتی مانند «زندگی اجتماعی چگونه سازماندهی می‌شود؟، قراردادهای، الگوها، سنت‌ها و نهادها اعم از رسمی و غیررسمی چگونه بوجود آمده و سامان می‌یابند؟ و چگونه افراد با شخصیت‌های متفاوت هنگام حضور و ورود به محیط تعامل (اجتماع) آگاهانه یا ناآگاهانه خود را با جامعه (هنجارها) وفق می‌دهند؟» تبیین می‌گردند.

در چارچوب علم اجتماعی، نظارت به ابزارها و روش‌هایی اطلاق می‌شود که برای وادار کردن فرد به انطباق او با انتظارات گروه معین یا کل جامعه به کار می‌رود (کوئن، ۱۳۸۷: ۱۹۷). گولد و همکارش نظارت اجتماعی را مشروط و محدود شدن رفتار و اعمال، فرد یا افراد مورد

کنترل، نسبت به اهداف و هنجار جامعه تعریف کرده‌اند. آنها معتقدند «اگر این کنترل با نهادینه شدن هنجارها در فرد (اجتماعی شدن) صورت پذیرد جزء کنترل درونی محسوب می‌گردد، ولی اگر صرفاً از طریق افراد جامعه بر کسی اعمال گردد، آن را کنترل بیرونی می‌نامند» (گولد و کولب، ۱۳۸۵: ۷۰۶-۷۰۵). هومنز «نظارت را فرآیندی می‌داند که از طریق آن رفتار شخصی (یا اشخاصی) که از مرتبه رعایت هنجار عدول کرده، دوباره به همان مرتبه اعاده داده می‌شود و هرگاه به کلی از هنجار عدول کند، مجدداً به رعایت کامل هنجار سوق داده می‌شود» (همان: ۷۰۶). نویسندگان کتاب جامعه‌شناسی کجروی در تعریف نظارت از توان اعمال قدرت، هدایت یا بازداشتن دیگران سخن گفته‌اند (سلیمی، ۱۳۹۴: ۵۸۱).

برخی از اندیشمندان نظارت را به مقوله‌های سازمانی تعمیم داده و در این چارچوب آنها را عملیاتی‌تر دانسته‌اند. عسگریان «نظارت را مراقبت و مواظبت از امور در راستای حرکت در محدوده شرایط و نقشه‌های طرح شده می‌داند» (صدیقی، ۱۳۶۳: ۱۰۰). پرهیزکار نظارت و کنترل را یکی دانسته و معتقد است «منظور اطمینان از انجام عملیات انجام شده بر اساس اهداف و با تاکید بر رسیدن به وضع مطلوب است» (همان). میرکمالی هم «نظارت و کنترل را هم معنا در نظر گرفته و آنرا بازدید و مراقبت از روند در راستای مقایسه وضع موجود با وضع مطلوب و تلاش برای اصلاح و جلوگیری از انحراف نامیده است» (میرکمالی، ۱۳۸۳: ۲۰).

از سوی دیگر نظارت اجتماعی به مکانیسم‌های هدفمندی اشاره دارد که به منظور قانونمندی‌سازی افرادی که توسط دیگران به عنوان «منحرف»، «مجرم»، «نگران کننده» یا «مشکل ساز» شناخته شده بکار می‌رود. طبعاً آن هنگام که نظارت و کنترل اجتماعی مکانیسم واکنشی یا پیشدستانه برای هدایت و کنترل است در چارچوب روند تکامل اجتماعی قرار داشته و با گذشت زمان و درک از مفاهیم منحرفانه و روش‌های پاسخ به آن نیز در فرهنگ‌های مختلف درک و پاسخ داده شده است.

مایر^۱ در چارچوب بررسی پیشینه جامعه‌شناسانه این مفهوم، این فرایند را در سه زمینه اصلی؛ «نظارت و کنترل به عنوان توصیفی از فرآیند یا صورت اجتماعی در عرصه عمومی»، «مکانیسمی برای حصول اطمینان از انطباق با هنجارها» و یک روش برای «مطالعه و تفسیر پدیده‌های اجتماعی در حوزه نظم اجتماعی» مورد بررسی قرار داده است (Meier, 1982).

در چارچوب همین دسته‌بندی، هوروتیز^۲ «نظارت اجتماعی را در راستای خدمت به حفظ روش‌های زندگی و شیوه‌های اجتماعی گروه بکار می‌برد» (Horwitz, 1990). کوهن^۳ نظارت

۱ - Mayer
۲ - Horwitz
۳ - Coen

اجتماعی را آن دسته از پاسخ‌های سازمان‌یافته به جرم و بزهکاری می‌داند که در دو قالب واکنشی (بعد از عمل) و پیشگیرانه (قبل از عمل) انجام می‌شود (کوئن، ۱۳۸۰). بلک^۱ معتقد است «مردم به ندرت تمایل دارند از سیستم رسمی برای نظارت استفاده نمایند و اغلب تلاش می‌نمایند بدون توسل به قانون و نظارت‌های رسمی مسائل را حل نمایند. به عبارتی هر چه شناخت مردم از همدیگر بیشتر شود برای رسیدن به مصالحه و حل مشکلات کمتر از نظارت رسمی استفاده می‌نمایند. یعنی درجه‌ای از کنترل که توسط افراد جامعه به دیگران اعمال می‌شود و بدون دخالت نظارت رسمی قابل حل می‌باشد» (راش، ۱۳۸۱: ۲۵).

از مجموع تعاریف فوق اینگونه می‌توان نتیجه گرفت که نظارت معیار عمده در کنترل ارزش‌ها و هنجارهاست و هدف از آن ایجاد هم‌نواپی، ثبات و نظم در جامعه یا سازمان است. بنابراین درک مفهوم نظارت اجتماعی بصورت بالقوه برای درک زندگی اجتماعی ضرورت داشته و سودمند است. اما گستره این مفهوم و استفاده آن در حوزه‌های مختلف تا حدودی آنرا غیر قابل تعریف و یا دچار پیچیدگی در تعریف نموده است. ولی با وجود همه این محدودیت‌ها به نظر می‌رسد مفهوم نظارت و کنترل در ابعاد مختلف دارای اشتراک معنایی بوده و بر نوعی واکنش نسبت به رفتارهای منحرفانه^۲ تاکید دارد.

بهرحال ماهیت نظارت اجتماعی در جامعه در قالب‌های مختلف بروز و ظهور داشته و متناسب با ساختار حاکمیتی و تحولات اجتماعی در حال تغییر است و به نظر می‌رسد در دوران معاصر از یک رویکرد اختطاری - تنبیهی صرف به سمت یک رویکرد تلفیقی (نگاه از بیرون به درون و از درون به بیرون) با محوریت اصلاح‌گرایانه رفتاری در حرکت است. این وضعیت در بررسی پیشینه تئوریک کلان‌گفتمان‌های مطرح در حوزه نظارت و کنترل بازنمایی شده است.

۳- کنترل و نظارت اجتماعی از نگاه جامعه‌شناختی؛ دیدگاهها و نظریات

اصطلاح نظارت اجتماعی الگوی مفیدی را برای طیف‌های متنوعی از مسائل و مشکلات جامعه فراهم کرده که در کانون توجه رهبران سیاسی و متفکران از زمان پیدایش جوامع پایا و دائمی قرار گرفته است. بررسی پیشینه تاریخی این مفهوم نشان می‌دهد «انضباط در جامعه» غالباً توسط توماس هابز به عنوان بخشی از نظرات او در مورد نقش مناسب دولت در تضمین اینکه زندگی مردم بیش از حد تند، خشن و کوتاه بود، مورد استفاده قرار گرفته است. هر چند این آغاز راه نبوده و شبیه به این موضوع را در نوشته‌های دیگر او از جمله سیاست و آثار دیگر

۱ - Black

۲. منظور از رفتار منحرفانه رفتاری است که برای فرد، گروه و جامعه مساله یا تعارضی به وجود می‌آورد که لازم است حل شود.

فلاسفه یونان نیز می‌توان پیدا کرد. مع‌هذا واژه کنترل اجتماعی اولین بار توسط هربرت اسپنسر مورد استفاده قرار گرفت، او معتقد بود که «یکی از کارکردهای دولت، کنترل اجتماعی در قالب نظارت بر اجرای درست قوانین و کاستن از تضاد درون‌گروهی و افزایش روحیه همکاری در جامعه است» (محیط طباطبائی، ۱۳۶۹: شماره ۳۴ و ۳۵).

ادوارد راس در سال ۱۹۰۱ از این واژه در قالب رویکرد روان‌شناختی اجتماعی استفاده کرد. او بیست و سه مکانیسم به منظور تولید و بازتولید نظم اجتماعی طرح کرد و معتقد بود براساس این مکانیسم‌ها می‌توان استدلال کرد که گروه‌های اجتماعی بر روی افراد تاثیرگذار هستند (Ross, 2009). بحث در مورد اینکه «زندگی اجتماعی چگونه است، چگونه می‌تواند و باید نظم داده شود و الگوهای نظم دادن به زندگی اجتماعی چگونه باید اعمال گردد» از جمله موضوعاتی است که در کانون توجه اندیشمندان اجتماعی قرار گرفته است. بررسی آثار جامعه‌شناسان کلاسیک از قبیل زیمل، دورکیم و مارکس نشان می‌دهد نکته کلیدی این آثار تبیین چگونگی کنترل بر اعضای جامعه است که به وسیله آن بازتولید شکل مشخصی از نظم اجتماعی صورت می‌گیرد.

زیمل در این باره معتقد است «درگیری در جامعه مسبب انتشار تنش و تاخیر طولانی باز تولید نظم می‌گردد و برای تحقق نظم باید زمینه‌های تنش اجتماعی جامعه را کاهش داد» (ستوده، ۱۳۸۶).

به نظر مارکس کنترل در جامعه به دو صورت آشکار و نهان انجام می‌شود و این دو مکمل همدیگر برای تداوم نزاع در سیستم سرمایه‌داری است و در نهایت منجر به فروپاشی آن می‌گردد (قنادان، ۱۳۸۳: ۲۱۷-۲۱۰).

به عقیده دورکیم، «نظم اجتماعی براساس سازماندهی و درونی‌سازی ارزش‌های اخلاقی صورت می‌گیرد که تعدادی از آنها در نهایت به شکل قانون در جامعه بروز و ظهور می‌یابند» (کوزر، ۱۳۷۶: ۱۹۱).

مانهیم نیاز به کنترل در جامعه را پیش‌شرط جوامع دموکراتیک می‌داند و معتقد است «نهادینه‌سازی مفهوم کنترل اجتماعی دو اثر اجتماعی مکمل دارد. اول اینکه می‌تواند توسط دولت‌ها برای متقاعد کردن و فشار بر اشخاص و جوامع به شیوه کنترل از بالا به پایین اعمال گردد و همزمان می‌تواند به عنوان مکانیسمی مورد استفاده قرار گیرد که مدیران، سیاست‌مداران و نخبگان جامعه را توسط اشخاص و گروه‌ها در قالب کنترل از پایین به بالا تحت فشار قرار دهد» (کوزر، ۱۳۷۶: ۵۷۵).

کارکردگرایی درک جدیدی از ماهیت، تولید و استفاده از کنترل اجتماعی مطرح می‌نمایند. به اعتقاد دورکیم، کنترل بر اساس یک نظم قانونی مشترک صورت گرفته و از طریق رسوم و حضور مؤسسات اجتماعی حفظ و بازتولید می‌شود. او نقش آئین‌ها و سنت‌های اجتماعی را برجسته‌سازی می‌نماید و معتقد است که این اشکال اجرای گروهی، در بازگویی نمادین ارزش‌های گروهی مهم هستند و در قالب این رویکرد محدودیت‌های مشترک به افراد یادآوری می‌شوند این محدودیت مشترک را هالبواکس «حافظه جمعی» می‌نامد و معتقد است که حافظه جمعی بطور فعالانه از طریق شرکت در مراسم یادبود، مراسم بزرگداشت، آئین‌ها، سنت‌ها و نمایش آثار باستانی شکل می‌گیرد و نتیجه آن حفظ بازتولید حسی در میان افراد یک گروه که سلاقی، علاقی و گذشته‌های یکسانی دارند، می‌شود و بدین ترتیب هویت جمعی به زمان حال رسیده و در آن جاری می‌شود. به نظر هالبواکس سنت نمادین از گذشته محصول یک نظم اجتماعی بوده و به نوبه خود باعث تقویت نظم می‌شود. بدین معنا که تلاش می‌شود خاطره ما از گذشته شکل داده شود و کنترل گردد تا زمینه‌ای برای بکارگیری کنترل در زمان حال فراهم گردد و با ساخت خاطرات نمادین جمعی، مردم تشویق می‌شوند تا به درجه‌ای از ارزش‌های سنتی اعتقاد داشته باشند که می‌توان آنرا «کنترل هنجاری» نام نهاد (اینز، ۱۳۹۶: ۴۵).

میشل فوکو مهمترین اندیشمند در توسعه مطالعه کنترل اجتماعی و نظم اجتماعی است. او ضمن پرداختن به مفهوم کنترل اجتماعی در جامعه به ندرت از اصطلاح قدرت استفاده می‌کند بلکه به جای استفاده از آن، از مفاهیمی مانند انضباط، نظارت پان اپتیک (سراسرین)، حکومت‌گرایی و... استفاده می‌کند. او به بررسی تکنولوژی‌های کنترلی پرداخته و معتقد است کیفیت جوامع مدرن باعث توسعه تکنولوژی‌های قدرتمندی شده که در نتیجه کنترل جسم و روح همه افراد را در بر خواهد گرفت. در واقع فوکو به بحث تولید و بازتولید «خود کنترلی جمعی» می‌پردازد. به اعتقاد او «هنجارسازی» از طریق مؤسسات اجتماعی و طبقه‌بندی اشکال مختلف انحراف گسترش می‌یابد (همان).

کوهن نیز بر این باور است که با شروع دهه ۱۹۶۰ انحصار بروکراسی اداری بر کنترل ناهنجاری‌ها از بین رفته است و کنترل ناهنجاری‌ها خارج از حکومت، متخصصین، نهادها و ذهن‌ها صورت گرفته است. تمرکز از روی انحراف اشخاص به کل جمعیت و جامعه تغییر کرده است و این فرایند را «رفتارگرایی جدید» نامیده و بیان می‌دارد که کنترل محلی به وسیله کنترل جوامع جایگزین شده و الگوهای حاکم کنترل اجتماعی در جوامع مدرن در یک گسترش تدریجی و افزایش سیستمی درگیر شده‌اند و علاوه بر اینکه کنترل اجتماعی را غیر قابل رویت کرده‌اند آنرا برای نفوذ به ماهیت جامعه افزایش داده‌اند (اینز، ۱۳۹۶: ۶۲).

توجه به این دیدگاه‌ها نشان می‌دهد مبنای بحث این دسته از اندیشمندان نظارت و کنترل اجتماعی به منظور تحقق نظم اجتماعی بوده است. لذا می‌توان گفت کنترل اجتماعی تلاشی چندوجهی است برای بررسی اینکه چگونه جوامع درگیری‌ها و نزاع‌ها را حل و فصل می‌نمایند. می‌توان ادعا نمود تمرکز اصلی در فرآیند توسعه و گسترش جامعه، بحث نظارت و کنترل اجتماعی است. بنابراین بحث از نظارت و کنترل اجتماعی در واقع مقصود نهایی و مطلوب پایانی مباحث علوم اجتماعی پیرامون رفتارهای ناهنجار و مخالف با اصول و موازین اجتماعی می‌باشد. زیرا تمام مباحث و مطالب مهم تخصصی معطوف به کجروی، آسیب‌شناسی اجتماعی و جامعه‌شناسی انحرافات، بدان سبب است تا ابزارهای مناسب و کارآمد را به شیوه‌ای متناسب و مؤثر برای مقابله با انحرافات و کجروی‌ها شناسایی کرده و برای نظارت اجتماعی بکار گیرند. در این رابطه نظریه‌های متعددی نیز مطرح شده‌اند که به اجمال در راستای شناخت دقیق‌تر موضوع به بررسی برخی از آنها می‌پردازیم.

۴- دین و نظارت اجتماعی

دین از نگاه تالکوت پارسونز نهادی است که نقش اساسی در حفاظت و صیانت از الگوهای اجتماعی که مسئولیت کنترل و نظارت اجتماعی را عهده‌دارند، ایفا می‌نماید. «مذهب مهم‌ترین نهادی است که نقش حفظ انگاره‌ها را در درون نظام اجتماعی برعهده دارد و بقای نظام، مرهون تداوم ارزش‌های هسته‌ای جامعه است که ریشه در سنت مذهبی جامعه دارد» (سیدامامی، ۱۳۸۹: ۴۲۹، به نقل از پارسونز ۱۹۴۴).

تاکنون تعاریف گوناگونی از دین ارائه شده است، توجه به ابعاد تعریف و معناشناختی دین، جایگاه و آثار کارکردی دین در عرصه اجتماعی را بازنمایی می‌نماید. گیرتس دین را اینگونه تعریف می‌نماید «نظامی از نمادها که کارش استقرار حالت‌ها و انگیزش‌های نیرومند، قانع‌کننده و پایدار در انسان‌ها از طریق صورت‌بندی مفاهیمی از نظر کلی جهان و پوشانیدن این مفاهیم با چنان هاله‌ای از واقعیت‌بودگی^۱ است که این حالت‌ها و انگیزش‌ها بسیار واقع‌بینانه به نظر می‌آیند».

کینگزلی دیویس نیز در خصوص نقش و جایگاه دین در ایجاد همنوایی بیان می‌دارد: «دین احساساتی را که به جامعه انسجام می‌بخشند، توجیه عقلانی و پشتیبانی می‌کند. به نظر می‌رسد بیان باورداشت‌های همگانی از طریق مناسک دسته‌جمعی، دلبستگی افراد را به هدف‌های گروهی تشدید می‌کند. دین عزم افراد را به رعایت هنجارهای گروهی تقویت می‌کند و این هنجارها را

^۱. Factuality

بالتر از منافع صرفاً خصوصی قرار می‌دهد. دین یگانگی افراد جامعه را با یکدیگر تقویت می‌کند و جدایی آنها را از اعضای قبایل، اجتماعات و یا ملت‌های دیگر تشدید می‌کند» (همیلتون، ۱۳۹۴: ۲۰۰) و دورکیم در خصوص نقش تنظیم‌بخشی دینی بیان می‌دارد: «اجبارهای دینی... ضمانت‌های هنجاری در قالب الگوهای اخلاقی، روابط و کنش‌های فردی و جمعی را تنظیم و سامان می‌بخشد. وارد معتقد است این نظریه دورکیم یعنی نفوذ دین در فرایندهای اجتماعی.» «منظور دورکیم این است که شعائر دینی این قدرت را دارند که سلامت زندگی را به آن بازگردانند و اعتماد به این قدرت به لحاظ اخلاقی سودمند و مؤثر است. باور دینی تنها این فرض نظری نیست که موجودات روحانی وجود دارند، بلکه همچنین «تعهد عملی» است. تعهد می‌کنیم پذیرای نیروی روحانی و سازنده باشیم و از نیروی نابود کننده اجتناب نمائیم» (همان). این تعهد درونی شده عاملی است برای مدیریت خویشتن و برآیند نهایی آن مدیریت نظام اجتماعی. فشارهای هنجاری ناشی از آموزه‌های اخلاقی بیشترین نقش را در تنظیم رفتاری دارد، چرا که کشتش درونی و فشار هنجارها به یکدیگر پیوسته و در الگوهای اخلاقی به یکدیگر پیوسته است. «از آنجا که انسان در هماهنگی اخلاقی با یارانش به سر می‌برد، اعتماد، شهامت و جسارت عمل بیشتری دارد. درست مانند مؤمنی که تصور می‌کند مورد عنایت خدایش قرار گرفته است. همین حالت است که خوراک دائمی برای تقویت سرشت اخلاقی ما را فراهم می‌کند» (همیلتون: ۱۸۲، به نقل از دورکیم، ۱۹۱۵: ۲۱۰).

احساس اخلاقی و باور به آن اقتداری است که از درون به کنش و انگیزش‌های فردی لگام می‌زند و از بیرون در ساحت یک اصل اخلاقی پذیرفته شده، عاملی برای کنترل اجتماعی محسوب می‌شود. در حقیقت این تفوق جامعه است که می‌تواند اقتدار و نفوذ نظارت کننده خودش را به اجزای جامعه تحمیل و آنها را به سوی هم‌نوایی درونی شده و یا کنترل رفتاری ناشی از فشارهای اجتماعی وا دارد. هیرشی نیز معتقد است از ۴ عنصری که می‌تواند در فرایند کنترل اجتماعی مداخله و عاملی برای تنظیم هنجاری و ایجاد هم‌نوایی بوده و در نقش مانعی اساسی از بروز ناهنجاری‌ها و پرخاشگری‌های رفتاری ممانعت نماید، عامل «اعتقاد» (belief) است. «اعتقاد» همان باورهای دینی نظام‌یافته معناشناختی است که منشاء پیوستگی و باور درونی می‌گردد: «ویژگی اعتقاد به وجود یک سیستم ارزشی مشترک در جامعه‌ای که هنجارهایش نقض می‌شود، اشاره دارد. نظرات و تصوراتی که وابسته به تقویت مداوم اجتماعی هستند، مشتمل بر اعتقاد هستند. احتمال اینکه یک فرد هنجارهای اجتماعی را رعایت کند، اگر به آنها اعتقاد داشته باشد، بیشتر است» (شورای نویسندگان، ۱۳۷۹: ۲۳). باور درونی و اعتقاد باور یافته، مانع بزرگی

برای ممانعت از انجام و یا حتی تمایل و بالعکس مقاومت در برابر رفتارهایی است که با این آموزه‌های اعتقادی مغایرت دارد. کسانی که به هنجارهای اخلاقی و اجتماعی وفاداری دارند در مقابل کسانی که در کنش‌های خود این معیارها و استانداردها را نادیده می‌انگارند، فشارهای هنجاری وارد کرده و نفوذ کنترل‌کننده خود را با ایجاد ضمانت‌های اجتماعی اعمال می‌نمایند. مضافاً اینکه اعتقاد، پیوند فرد و جامعه را تقویت و به عنصری ارزشی و ترجیحی تبدیل می‌نماید که فرد حاضر است برای حفاظت و پاسداری آن ایثار کرده و از منافع فردی خود در قبال کارکردهای ارزشمند جمعی آن چشم‌پوشی و با آن از درون به مقابله برخیزد. به تعبیر دیگر این باورهای درونی شده و تجسم آن در نظامات اخلاقی منشاء پیوند بین کنترل درونی (خود کنترلی) و کنترل بیرونی و اجتماعی شده است که از ضمانت و پایداری بیشتری برخوردار است. اگر دیدگاه دورکیم درباره کنترل رفتارهای اجتماعی از طریق واکنش‌های اجتماعی مثل ناخشنودی و مجازات و دیگر ضمانت‌های اجتماعی را بپذیریم، می‌توان بر این تأکید کرد جامعه از طریق تأکید بر اجرای نظامات معنایی و اعتقادی، کارکرد ناخواسته‌ای را در جامعه پدید می‌آورد که نقش اساسی در نظارت و کنترل اجتماعی ایفا می‌کند. بدین طریق دین و آموزه‌های دینی در یک فرایند جامعه‌شناختی و مسئولیت‌پذیری فردی و اجتماعی، روند تنظیم رفتارهای اجتماعی را تسهیل و از ایجاد روندهای ناهنجار ممانعت می‌نماید.

با توجه به آنچه که بخشی از جامعه‌شناسان بویژه جامعه‌شناسان کارکردگرا به اهمیت و نقش کارکردی دین در فرایند کنترل اجتماعی و نظم اجتماعی تأکید دارند، می‌توان اهمیت کارکردی دین در یک برآیند کلی را در گزاره‌های ذیل مورد تأکید قرار داد:

۱. دین که خود را در قالب نظام اعتقادی و یا تمایلات درونی شده دینی و یا نظامات اخلاقی پدیدار می‌سازد، نفوذ نظارت‌کننده خود را به گونه‌ای اعمال می‌نماید که نتیجه غایی آن «اصلاح» روندهای اجتماعی و محافظت از پایداری نظم هنجاری جامعه است. بیشترین کنترل دینی با این تعبیر اصلاح روندها، کنش‌ها و فرایندهایی است که جامعه برای حفظ پایداری و بهره‌مندی همگانی از امنیت و ثبات، به آن نیاز دارد

۲. دومین کارکرد ایفای نقش کنترلی توسط دین و آموزه‌های دینی، صیانت از نظم اخلاقی و هنجاری جامعه و ممانعت از تبدیل جامعه به کانون نابسامانی‌ها و غلبه شرایط آنومیک است

۳. تأمین امنیت هستی‌شناختی و ثبات روانی که عامل اساسی برای حفظ پیوندها و تعیین یک نظام پایدار ارتباطی و رفتاری است، کارکرد دیگری است که از طریق مداخله کارکردی نظامات اعتقادی و اخلاقی، امکان و احتمال وقوع دارد

۴. حفاظت از ساحت کارکردی جامعه در تأمین نیازهای اجتماعی در عرصه‌های گوناگون و ایجاد اطمینان از پایداری و تکامل توسعه‌ای آن جز از طریق نظارت متعهدانه و درونی شده جامعه امکان‌پذیر نیست

۵. بسیج منابع جامعه برای اهداف جمعی و مشارکت آحاد جامعه در فرایند پایداری اجتماعی و نقش‌پذیری آنان از طریق باورهای درونی شده تسهیل می‌گردد

۶. گسترش نگرش انتقادی و ممانعت از غلبه روندهای ناهنجار و یا فرایندهای منحرفانه و تخریب‌کننده که عامل گسستگی و ناپایداری‌های اجتماعی است با مداخله هنجارهای اعتقادی تأمین می‌گردد

۷. ...

مجموع این نظامات کارکردی نقش نظارت‌کننده اعتقادات و باورهای دین را برجسته می‌دارد که حتی در جهان پسامدرن افرادی همچون هابرماس، گیدنز، ... بر اهمیت کارکردی دین و ضرورت بازگشت آن به عرصه عمومی، مورد تأکید قرار می‌دهند.

۵- آموزه‌های اسلامی و مسأله نظارت اجتماعی

همانگونه که در بخش پیشین ملاحظه شد از نگاه جامعه‌شناختی، دین واجد کارکردهای متنوعی است که نظارت غیرمستقیم و درونی شده یکی از این بنیان‌های کارکردی است. در مبانی اسلام به عنوان یک نظام معنایی و اعتقادی می‌توان نمادها و نشانه‌ها، یا آموزه‌ها و یا اشارات اعتقادی و کارکردی‌ای فراوانی یافت که گویای توجه و تأکید و یا اولویت بر نظارت و کنترل‌های رفتاری است.

اگر دین را بنیانی برای تعالی‌بخشی و معنابخشی به انسان بدانیم که در آموزه‌های دینی تمامی ادیان این ابعاد برجستگی دارد، قطعاً به بستر تحقق این مقاصد و بنیان‌ها نیز توجه دارد. نمی‌توان به مقاصد و اهداف بدون توجه به شرایط، موقعیت‌ها و یا زمینه‌ها و بستری که این فرایند را تسهیل می‌نمایند، دسترسی پیدا کرد. در اسلام می‌توان آموزه‌های متعددی را مورد مشاهده قرار داد که حداقل ۴ نوع نظارت از یکدیگر قابل تفکیک هستند: ۱- نظارت خالق بر رفتار انسان‌ها و در فرایند تکوین و تکامل آنان (نظارت الهی بر فرد و جامعه) ۲- نظارت و کنترل فردی بر کنش‌ها و اعمال فردی (خودکنترلی و کنترل فردی بر خویش) ۳- نظارت مردم به یکدیگر یا نظارت همگانی به عنوان یک مسئولیت استعلایی و اجتماعی ۴- نظارت نهادها، گروه‌ها و اعیان اجتماعی بر اعضاء و کنشگران وابسته به خود (نظارت نهادی، گروهی، سازمانی، ...)

نمادها و نشانه‌های گوناگونی در آموزه‌های اسلامی قابل مشاهده است که به شیوه‌های گوناگون اهمیت، ارزش و جایگاه آن در کنش‌های فردی و جمعی تأکید دارد.

خداوند مستمراً خود را در قرآن کریم با اوصافی مثل خبیر، علیم، ناظر، حی، بصیر، سمیع^۱، معرفی می‌نماید تا به انسان گوشزد نماید که خداوند در همه حال بر رفتار و کنش‌های انسانی نظارت دارد. حتی خداوند با تأکیدی بیان می‌فرماید که از نیات و درونیات انسان آگاهی دارد^۲. و آیات خاصی حاکی از آن است که خداوند بر نگاه‌های انسان و خیانت‌های مترتب بر آن آگاهی دارد و انسان را از این تحذیر می‌نماید «در حالیکه در محضر خداوند هستید از انجام خلاف و خطای رفتاری و حتی خطای در انگیزش و نیت پرهیز کنید چرا که خداوند بر آن نظارت و آگاهی دارد»^۳.

و نیز آیات و اشارات مستقیم و غیرمستقیم گوناگون فراوانی وجود دارد که انسان را به نظارت به اعمال، انتخاب‌های صحیح و هوشمند و مسئولیت‌پذیری و بویژه ضرورت بر نظارت و مدیریت انگیزش‌ها و رفتارها ملزم و مکلف می‌دارد^۴. در تمامی آیاتی که خداوند انسان را مورد خطاب قرار می‌دهد با واژه‌هایی مثل یا ایها الذین آمنو، یا ایها الناس، یا عباد الذین، قرآن انسان را به سوی تأمل‌گرایی، نظارت بر عمل خویشتن، تنبّه، خردورزی، خداترسی، عاقبت‌اندیشی، حسابگری، پاسخگویی، انتخاب صحیح، توبه، بازگشت، تحذیر، هوشمندی، بصیرت، رستگاری، ... دعوت و آنها را راه‌های رهایی و مسئولیت‌پذیری انسان در برابر خویشتن معرفی می‌نماید.

اما یکی از مهمترین ابعاد نظارت در اندیشه اسلامی نظارت مردمی و نقش مردم (امر به معروف و نهی از منکر) در فرایندهای نظارت است. با بررسی و کاوش در آموزه‌ها، متون و تأکیدات مذهبی، محکّمات و استعاراتی وجود دارد که نشانه‌های روشنی از نقش مؤمنان در فرایند مدیریت و انتظام اجتماعی است. این نشانه‌ها در مفاهیم و باورهای اعتقادی و اخلاقی

۱. خبیر ۴۵ بار، بصیر ۴۲ بار، علیم ۱۶۲ بار، سمیع ۴۷ بار در قرآن کریم تکرار شده است و خداوند خود را با آن توصیف فرموده است.

۲. و لقد خلقنا الانسان و نعلم ما توسوس به نفسه و نحن اقرب الیه من جبل الوریث (و ما انسان را خلق کرده‌ایم و از وساوس و اندیشه‌های نفس او کاملاً آگاهیم که ما از رگ گردن او به او نزدیک‌تریم. (سوره ق، آیه ۱۶)؛ و نحن اقرب الیه منکم ولكن لا تبصرون (و ما به او از شما نزدیک‌تریم لیکن شما بصیرت ندارید (سوره واقعه، آیه ۸۵).

۳. یعلم خائنه الاعین و ما تخفی الصدور (خداوند بر نگاه خیانت چشم خلق و اندیشه‌های نهانی دل‌های مردم آگاه است) (سوره غافر، آیه ۱۹).

۴. و قُلْ اَعْمَلُوا فِی سَبِیْلِ اللّٰهِ عَمَلِكُمْ وَرَسُولِهِ وَالْمُؤْمِنُونَ وَ سَتَرْدُونَ اِلٰی عَالَمِ الْغَیْبِ وَالشَّهَادَةِ فِیْنٰیكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ (و بگو عمل کنید (از خوب و بد) پس به زودی عمل شما را خدا و پیامبرش و مؤمنان خواهند دید. سپس به سوی خداوند دانای عیان و نهان برگردانده می‌شوید پس ما را به آنچه عمل کردید، آگاهتان می‌کند) (توبه، آیه ۱۰۵). بر خداوند عزیز و رحیم توکل کن، همان کسی که تو را هنگامی که بر می‌خیزی می‌بیند و نیز حرکت تو را میان سجده‌کنندگان تحت نظر دارد و اوست خدای شنوا و دانا (شعرا، آیه ۲۱۷).

متفاوتی مفهوم‌سازی شده است که پرداختن به همه آنها در این مقاله مجال کافی ندارند. از جمله مفاهیم و الگوهایی که هم در آیات قرآن کریم معرفی و هم در تأکیدات و اشارات بزرگان دینی قابل مشاهده است، نقش‌پذیری اجزای جامعه در فرایند دفاع از نظم و ثبات اخلاقی و اطمینان از حفظ پای‌بندی‌های اجتماعی است.

مطالعه باورها، آیات و تأکیدات ارائه شده در منابع مذهبی گویای آن است که حمایت از معروف که شامل هنجارها و ارزش‌های مطلوب و اخلاقیست، تکلیف و وظیفه‌ای همگانی معرفی شده است. آیات قرآن کریم حکایت از اهمیت معرفتی و کارکردی این الگوی رفتاری تعمیم‌یافته دارد. در این بخش تلاش خواهد شد با نگاهی به برخی از این اشارات و کنایات، اهمیت نظری و کارکردی این الگو را در فرایند نظارت اجتماعی، مورد موشکافی و تحلیل قرار دهیم. از نگاه مفهومی امر به معروف و نهی از منکر شامل آن الگوها و معیارهای رفتاری است که تمامی آحاد جامعه در بستری خاص ملزم به صیانت و مراقبت از استانداردهای اخلاقی بوده و نمی‌توانند در قبال ناهنجاری‌های رفتاری یا نابسامانی‌های اجتماعی که شالوده‌پایداری و انتظام فرهنگی و اجتماعی را مختل و یا دچار فرسایش و ناپایداری می‌کنند، بی‌تفاوت بوده یا در قبال آن سکوت و احساس مسئولیت نکنند. امر به معروف مسئولیتی فراگیر است برای دفاع، مسئولیت‌پذیری و مشارکت در فرایند ساخت و پایداری نظام ارتباطی و هنجاری. برای روشن شدن مهمترین ابعاد کارکردی امر به معروف و نهی از منکر (نظارت اجتماعی)، ابعاد و بنیان‌های کارکردی و معرفتی آن در قالب گزاره‌های ذیل قابل تحلیل و ارزیابی است.

۱. امر به معروف به عنوان عاملی در برابر فساد و تباهی؛ بی‌تفاوتی و بی‌تعهدی عاملی برای نابودی و تباهی فردی و جمعی است. آیات الهی در تبیین علت و چرایی نابودی برخی از امم پیشین به این امر تصریح دارد که فقدان وجود خردمندانی که در برابر تباهی مقاومت و آن را اصلاح نمایند، زمینه‌ساز تباهی و فروپاشی اجتماعی است.^۱

۲. امر به معروف و نهی از منکر عاملی برای مقابله با سرکشی و نافرمانی؛ برخی از آیات قرآن کریم بر این تصریح دارد که عدول از مسئولیت اجتماعی و عدم مقابله با نافرمانی‌هایی که منشاء سرکشی است، می‌تواند با پیامدها و کارکردهای بسیار منفی مواجه باشد.^۲ استفاده از واژه

۱. فَلَوْلَا كَانَ مِنَ الْقُرُونِ مِنْ قَبْلِكُمْ أُولُو بَقِيَّةٍ يَنْهَوْنَ عَنِ الْفَسَادِ فِي الْأَرْضِ إِلَّا قَلِيلًا مِمَّنْ أَنْجَيْنَا مِنْهُمْ * وَاتَّبَعَ الَّذِينَ ظَلَمُوا مَا أُتْرِفُوا فِيهِ وَكَانُوا مُجْرِمِينَ «پس چرا در امم گذشته مردمی با عقل و ایمان وجود نداشت که (خلق را) از فساد و اعمال زشت نهی کنند مگر عده قلیلی که نجاتشان دادیم، و ستمکاران از پی تعیش به نعمتهای دنیوی رفتند و مردمی فاسق بدکار بودند» (سوره هود، آیه ۱۱۶).

۲. لُعِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ عَلَى لِسَانِ دَاوُدَ وَعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ ۚ ذَٰلِكَ بِمَا عَصَوْا وَكَانُوا يَعْتَدُونَ * كَانُوا لَا يَتَنَاهَوْنَ عَنْ مُنْكَرٍ فَعَلُوهُ ۗ لَبِئْسَ مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ کافران بنی اسرائیل به زبان داود و عیسی پسر مریم از انرو لعنت کرده شدند که نافرمانی (خدا) نموده و (از حکم حق) سرکشی می‌کردند * آنها هیچگاه یکدیگر را از کار زشت نهی نمی‌کردند و آنچه می‌کردند بسی قبیح و ناشایسته بود. (سوره مائده، آیات ۷۸ و ۷۹).

لعنت (لعن) برای کسانی که از این مسئولیت استنکاف نموده‌اند اوج تأکید بر عوارض بی تفاوتی اجتماعی است.

۳. تأثیر امر به معروف بر ایجاد انتظام، آبادانی و گسترش امنیت؛ امر به معروف و نهی از منکر راه و روش پیامبران و شیوه صالحان است و فریضه بزرگی است که دیگر فرائض به واسطه آن بر پا می‌گردد، راهها امن می‌شود و درآمدها حلال، حقوق پایمال شده به صاحبانش مسترد می‌شود، زمین آباد می‌شود و حق از دشمنان گرفته و کارها سامان می‌پذیرد (کافی، جلد ۵، ص ۵۶ ح ۱). این عبارت ابعاد کارکردی امر به معروف و عواقب اجتماعی آن را که در نتیجه بسیج نیروهای اجتماعی در برابر عصیان و سرکشی ایجاد می‌شود را تصریح می‌نماید. بنابراین امر به معروف بیش از آن که بر اجرای دستورات صرفاً دینی توجه داشته باشد، به مسئولیت‌ها و ضرورت‌های اجتماعی‌ای توجه دارد که جامعه در روند تکاملی و توسعه‌ای خود به آن نیازمند است.

۴. امر به معروف در جایگاه جهاد و مجاهدت؛ امام علی (ع) در گونه‌شناسی از جهاد آن را در ۴ گروه و نمونه متمایز از یکدیگر تفکیک می‌نماید؛ «جهاد چهار قسم است: ۱- امر به معروف ۲- نهی از منکر ۳- راستی در هنگامه شکیبایی ۴- دوری از گناهان»^۱. اصلاح و آبادانی اجتماعی و تلاش برای مقابله با فساد و تباهی و فسق که منشاء آلودگی و فروپاشی اجتماعی است واجد آثار کارکردی گوناگونی است که تمامی اجزای جامعه را از مسیر تعالی بازداشته و رهزن سلوک آنان در مسیر صحیح است. آلوده شدن محیط اجتماعی آنقدر اهمیت دارد که تلاش فردی و جمعی برای صیانت و اصلاح آن در جایگاه «مجاهد در راه خداوند» تعریف می‌شود. مسئولیت جمعی برای حفاظت از ساختار پایداری و سلامت اجتماعی در متن این گفتار، جایگاه تعهد اجتماعی و تأکید دین بر نظم اجتماعی و نه صرفاً نظم سیاسی را مورد تصریح قرار می‌دهد.

۵. امر به معروف و نهی از منکر به عنوان عاملی برای کسب رضایت، سعادت و نشاط اجتماعی؛ اگر یکی از آرمان‌ها و ارزش‌های اساسی انسان را خوشبختی، کسب آرامش و رضامندی اجتماعی بدانیم، امر به معروف در تحقق این نیاز اساسی و مطالبه اصلی بشر نقش دارد. پیامبر اسلام اهمیت و نقش این الگوی دینی در تحقق سعادت بشری را اینگونه تبیین می‌فرماید: «تا زمانی که مردم امر به معروف و نهی از منکر نمایند و در کارهای نیک و تقوا به یاری یکدیگر بشتابند، در خیر و سعادت خواهند بود. اما اگر چنین نکنند برکت از آنان سلب و گروهی به گروه دیگر سلطه می‌یابد و نه در زمین یابری دارند و نه در آسمانها» (شیخ طوسی، ج ۶ و ۲: ۱۸۱).

۱. امام علی (ع)، نهج‌البلاغه، حکمت ۳۱

این عبارت تصریح می‌نماید سرمایه اجتماعی برآمده از مشارکت و مداخله اجتماعی که همراه با احساس تعهد و مسئولیت جمعی باشد، از نظر پیامدشناختی، آثار خود را در بروز روابط و ساختاری پدیدار می‌سازد که نتیجه نهایی آن سعادت‌مندی، خرسندی و ایجاد ثبات ناشی از احساس رضایت جمعی است. نکته تأمل‌برانگیز پیامدهای جامعه‌شناختی بی‌تفاوتی و سکوت در برابر فساد اجتماعی است که منشاء استیلائی ستمگران و از دست رفتن بستر اجتماعی زیست جمعی است. استفاده از واژه «برکت» تنها تأکید بر ابعاد اقتصادی نیست، بلکه بی‌بهرگی از تمامی آثار ناشی از نشاط اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و روانشناختی از آثار اجتناب‌ناپذیر فردگرایی افراطی و بی‌تفاوتی نسبت به نظم اجتماعی است. گاهی اهمیت امر به معروف به گونه‌ای در نگاه پیامبر (ص) برجستگی می‌یابد که در مقام شهید و والاتر از آن، کسب جایگاه می‌نماید: «گروهی هستند که نه پیامبرند و نه شهید، ولی مردم به مقامی که خداوند به خاطر امر به معروف و نهی از منکر به آنان عطا فرموده غبطه می‌خورند» (نوری طبرسی، ج ۱۲: ۱۸۲).

قطعاً حفظ پایداری، ثبات و ایجاد بستر مناسب برای زیست جهان اجتماعی، آنگونه اهمیت می‌یابد که حافظان و مراقبان از آن و نقش آنان اهمیت مضاعف می‌یابد. از بستر همین نظم و پایداری است که انسانها آرامش، امنیت، تعالی و آبرو و شرافت خویش را حفظ و می‌توانند روند تکاملی خود را تداوم و مسئولیت‌های فردی و جمعی خود را ایفا و از آسیب‌پذیری در مقابل تجاوزات سلطه‌گران مصون بمانند. این موضوع مورد تأکید و تصریح امام علی‌بن ابوطالب (ع) نیز قرار دارد و بیان می‌فرمایند: «همه کارهای خوب و جهاد در راه خدا، در برابر امر به معروف و نهی از منکر چون قطره‌ای است در دریای عمیق»^۱ (نهج‌البلاغه، حکمت ۳۷۴). از نگاه جامعه‌شناختی این تحلیل و نگرش نسبت به ایفای مسئولیت‌های اجتماعی و تعهد در برابر نظام اخلاقی و پایداری اجتماعی، نیازمند بازتأمل و بازکاوی نظری است. جامعه‌شناسی امروز اهمیت پر دامنه نقش‌پذیری اجتماعی را مورد تأکید و حفظ زیست جمعی و پایداری جامعه را بدون مشارکت و حضور هنجارمند و متعهدانه جامعه غیرقابل تصور ارزیابی می‌نماید.

۶. امر به معروف عاملی برای اصلاح فردی و جمعی؛ تأمل‌گرایی مبتنی بر مدیریت خویشتن و اصلاح فردی گام نخستین در اصلاح اجتماعی محسوب می‌شود. جایگاه امر به معروف علاوه بر الگویی در هندسه نظارت اجتماعی، مقدمه‌ای است که قائلان به آن از خویشتن آغاز کرده و با نظارت و کنترل عمل فردی، مقدمه نقش‌پذیری اجتماعی شوند. نظارت اجتماعی همانگونه که قبلاً اشاره شد نوعی فشار هنجاری را سبب می‌گردد که عموماً عالمان آن را عهده‌دار و منشاء «خیر عمومی» می‌گردند. امر به معروف علاوه بر اینکه در چارچوب تئوری‌های

۱. إِنَّ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ، لَا يُقَرِّبَانِ مِنْ أَجْلِ وَ لَا يَنْقُصَانِ مِنْ رِزْقٍ؛ وَأَفْضَلُ مِنْ ذَلِكَ كُلِّهِ كَلِمَةُ عَدْلٍ عِنْدَ إِمَامٍ جَائِرٍ

جامعه‌شناختی زمینه‌ساز تحکیم و پایدار نظم اجتماعی بر پایه نقش‌پذیری و مشارکت تمامی گروه‌های اجتماعی برای حفظ معیارها و ملاک‌های انسانی و اجتماعی است، زمینه‌ساز اصلاح و کنترل درونی فردی برای اصلاح اجتماعی است. به علاوه اجرای صحیح این الگوها، مقدمه گفتگوی انتقادی و مستمر در فضای اجتماعی، نقد اصلاحی و ترمیم‌کننده، آموزش اجتماعی بدون برانگیختن حساسیت‌های جمعی و زمینه‌ساز تحول مداوم و ایجاد تغییراتی است که نظام اجتماعی در مسیر پویایی خود نیازمند آن است. جهان مدرن بیش از هر عاملی به همین گفتگوهای انتقادی و نقد سازنده و بازسازی‌کننده ابتناء دارد که در بستر تعامل‌های اجتماعی، علمی و ارتباطی امکان وقوع یافته است. «کلکم راع و کلکم مسئول» (ارشادالقلوب، جلد ۱: ۱۸۴). تأکید به همین الگوست که مسئولیت نقد، اصلاح و بازسازی تنها محدود به مسئولیت‌های اجتماعی نبوده، بلکه تلاش برای رسیدن به الگویی از شخصیت که مبتنی بر تدبیر و اصلاح فردی باشد نیز در متن آن جایگاهی اساسی دارد.

امام علی (ع) در زمینه کارکرد اصلاحی امر به معروف تصریح می‌فرمایند: «امر به معروف واجب شده است برای اصلاح عامه مردم و نهی از منکر را برای باز داشتن سفیهان مقرر فرموده است» (امام علی (ع)، غررالحکم، ۱۳۸۲).
۷. ...

می‌توان تأکیدات و رویکردهای دینی بر اهمیت و جایگاه اجتماعی و آثار کارکردی امر به معروف را تداوم بخشید، اما در حد بضاعت این مقاله به همین مقدار بسنده می‌شود. از آنچه در باب جایگاه کارکرد امر به معروف بیان می‌شد می‌توان خلاصه کارکردی، اعتقادی و اجتماعی این الگو را در گزاره‌های ذیل مورد اشاره قرار داد:

۱. نظارت اجتماعی از نگاه دینی مسئولیتی فراگیر است که همه اقشار و آحاد اجتماعی در قبال آن مسئولیت دارند (کلکم راع، کلکم مسئول).

۲. ایجاد انرژی، تراکم قدرت و استظهار برای جامعه اسلامی (نهج‌البلاغه، نامه ۳۱: ۶۳۰).
تجمیع نیروهای اجتماعی در دفاع از پایداری اجتماعی، منبع ایجاد سرمایه اجتماعی و این سرمایه می‌تواند منبع اعتماد، ارتباط، مشارکت و همراهی و انسجام درونی گردد. چنین پشتوانه اجتماعی، از جامعه در برابر اختلالات، تغییرات ناخواسته، ایجاد ناپایداری‌ها و عدم تعادل‌های اجتماعی، جابه‌جایی ارزشی، بروز زمینه نابسامانی‌های اجتماعی و شرایط آنومیک ممانعت می‌نماید. مجموع این کارکردها سبب خواهد شد از فساد و تباهی پیشگیری و جامعه به کانونی برای حفظ الگوها و معیارهای هنجاری تبدیل گردد.

۳. ایجاد بازدارندگی و کنترلی درونی شده و مبتنی بر باورهای اعتقادی، نظامات معنایی و هنجارهای اخلاقی از دیگر بنیان‌های کارکردی نظارت اعتقادی است. نظارت بر خویشتن، سنگ بنای پذیرش تعهد اجتماعی و کنترل اجتماعی به شمار می‌رود. اعتقادات دینی با تأکید بر نظارت مستمر و تداومی ناشی از ضرورت کنترل‌های رفتاری در ساحت قدس الهی، مکانیزم‌هایی را برجسته می‌دارد که در روابط اجتماعی نیز پدیدار می‌گردد. در این رویکرد صیانت از حریم اجتماعی در قالب یک ارزش اجتماعی، اخلاقی و راهبردی تعریف می‌گردد که همگان بر پایداری آن متعهد و مسئول هستند.

۴. از نگاه دینی امر به معروف عاملی برای تضمین حقوق فردی و زمینه‌ساز سعادت و کسب شاخص‌های زیست مناسب و مطلوب است. در یک جامعه افسارگسیخته مبتنی بر فساد حتی اگر فراوانی و رفاه وجود داشته باشد به دلیل اضطراب‌های وجودی و اجتماعی و بویژه عدم قطعیت‌های ناشی از اضطراب‌های امنیتی، شرایط زیست فردی و جمعی با اختلال مواجه می‌شود.

۵. ایجاد بستر انتقادی مبتنی بر گفتگو و نقد متقابل، جایگاه جامعه و مردم را در برابر ساختارهای رسمی تقویت نموده و جامعه خود مسئولیت صیانت از پایداری و توسعه و تکامل خود را عهده‌دار می‌گردد. تأکید دین بر ضرورت این الگو نگاه‌های کارکردی ناشی از تأکید بر تجمیع و اصلاح رویکردها و روندهای جاری جهت ارتقاء نقش نیروهای اجتماعی و پایداری روندهای تکاملی است. از بستر این نظم پویا و مشارکتی است که هم اصلاح اجتماعی میسر می‌گردد و هم جامعه از فرو افتادن در روندهای ناهنجار و نابسامان کننده محافظت و صیانت می‌شود.

۶. عقلانی بودن امر به معروف هم به عنوان یک سازه اجتماعی و هم به عنوان یک ضرورت کارکردی اجتماعی. عقل عامل اساسی در تشخیص و بازدارندگی از منکر و حمایت از معروف است. «العقل منزّه عن المنکر و امر بالمعروف»؛ عقل، بازدارنده از منکر و امر کننده به معروف است» (الامدی ۱۹۸۷، جلد ۱، شماره ۱۲۹۷). عقلانیت اجتماعی و روش‌شناختی حتی در عقلانیت مدرن جایگاه حضور و مشارکت مردم در فرایندهای اجتماعی را ضرورتی جامعه‌شناختی ارزیابی و تدبیر جامعه بدون نقش‌پذیری و پشتوانه اجتماعی را با مشکلات زیادی ارزیابی می‌نماید. جهان جدید عصر نقد، گفتگو، بازاندیشی و نوسازی و بویژه پایداری معیارهایی است که نظم و سامان اجتماعی را تداوم و تثبیت می‌نماید. ایجاد تکان‌های ناپایدارکننده، بازگشت و احیای نظم را با موانع و مشکلاتی مواجه می‌سازد که در برخی از جوامع و ادوار، آثار کارکردی آن را در جهان معاصر شاهد بوده‌ایم.

۷. تأکید بر التزام و ضرورت پای‌بندی فردی به معیارهای اخلاقی قبل از ایفای نقش امر به معروف و نهی از منکر، در محیط اجتماعی، اهمیت کنترل درونی و ارزش درونی اعتقاد به معیارهای اخلاقی را برجسته می‌سازد. امام علی (ع) تأکید می‌فرماید «از جمله کسانی مباش که نهی می‌کند ولی خود از آن عمل دست برنمی‌دارد و امر می‌کند ولی خود به آن عمل نمی‌کند» (امام علی (ع): نهج‌البلاغه، حکمت ۱۵۵).

این الگو نظام کنترلی را قبل از جامعه در فرد به کنش ارزشی و عملی - اخلاقی تبدیل می‌کند و بخش قابل توجهی از اجزای جامعه را به سوی کنترل درونی شده رفتارها، آمال، انگیزش‌ها و الگوهای رفتاری، سوق می‌دهد.

۸. تبدیل امر به معروف به عاملی برای گفتگو، مدارای اجتماعی، نقد متقابل، مجاب‌سازی، اصلاح و پایداری ارتباطات و کنش‌های ارتباطی در سطح جامعه از کارکردهای امر به معروف است. محدود نبودن ایده نقد حتی از حاکم مسلمین، گویای آن است که امر نظارت اجتماعی در اندیشه دینی عاملی محدودناپذیر و غیررانتی است که در بستر گفتگوی انتقادی، اصلاح مستمر و هنجاری، امکان تعیین و تحقق دارد. پرهیز از تقابل‌گرایی یا تحقیر و طرد و بالعکس تأکید بر مفاهمه و گفتگو برای مجاب‌سازی، اهمیت الگوی روش‌شناختی امر به معروف را بیان می‌دارد که می‌تواند هم در اثربخشی و هم در الگوسازی و حفظ موارث کارکردی آن تأثیرگذار باشد.

نتیجه‌گیری

نظارت اجتماعی برای ایجاد نظم، پایداری و تداوم بهره‌مندی جامعه از حقوق اجتماعی ضرورتی است که حتی در جهان مدرن بر اهمیت آن افزوده شده است. همانگونه که در این مقاله مورد اشاره قرار گرفت دین و آموزه‌های دینی به دلیل تأکید آن برای ایجاد محیطی سالم، پویا و با ثبات و همچنین ضرورت ایجاد بستری مساعد برای رشد و تعالی فردی و اجتماعی، سازوکارهای اجتماعی گوناگونی را برای تعمیق کنترل نظارت اجتماعی پیش‌بینی و ارائه کرده است. امر به معروف و نهی از منکر از جمله این الگوهاست که با هدف دفاع از حقوق اجتماعی در مقابل دست‌اندازی‌های اجتماعی پیش‌بینی و آن را به عنوان مسئولیتی فراگیر برای همگان ترسیم کرده است. امر به معروف و نهی از منکر مکانیزمی است که منشاء حضور و مشارکت متعهدانه اعضای جامعه در روندهای اجتماعی می‌گردد، روند اصلاح اجتماعی را تسهیل و گسترش می‌بخشد، از حقوق اجتماعی در مقابل فشارها و مداخلات غیرقانونی و غیراخلاقی ممانعت و منشاء تعمیق پیوستگی و یگانگی اجتماعی برای حفظ و پایداری نظم و سامان

اجتماعی در ذهنیت عمومی می‌گردد. الگوی امر به معروف و نهی از منکر تنها جنبه مقابله‌ای و یا دفاعی ندارد، بلکه بیش از هر عاملی بر پیشگیری، صیانت و حراست از پایه‌های نظم اخلاقی و اجتماعی استوار است تا جامعه‌ای توانا، پایدار و هوشمندانه پدیدار گردد که در مقابل آسیب‌های رو به تزاید، تعارضات، تجاوز به حقوق اجتماعی کنترل مناسب اعمال نموده و فضا برای رشد و تعالی اجزای جامعه و همچنین شکوفایی اجتماعی ایجاد گردد. امر به معروف از نظر کارکردی مقدمه ایجاد فضای گفتمانی بوده و روابط انجمنی و تفاهمی را گسترش می‌بخشد و عاملی برای رشد رضایت، نشاط، اعتماد و تعمیق پیوندهای اجتماعی می‌گردد. انباشت انرژی و قدرت ناشی از مشارکت و حضور مسئولانه اعضای جامعه به عنوان مسئولیتی اخلاقی، اجتماعی و استعلایی، کنترل‌های اجتماعی را به متن اجتماعی کشانیده و از مداخلات رسمی ممانعت و نظم ساختاری اجتماعی می‌یابد و نه سیاسی. بازدارندگی ناشی از کنترل‌های تعمیم‌یافته و فراگیر توسط آحاد اجتماعی منشاء پایداری هنجاری و تعیین نظامات رفتاری می‌گردد که محیطی پویا برای رشد و شکوفایی و بهگشت اجتماعی پدید می‌آورد.

منابع

قرآن کریم

نهج البلاغه

ابن رازی، جعفر بن احمد (قرن چهارم هجری) *جامع الاحادیث*، مصحح: محمد حسینی نیشابوری، ناشر،

ناشر *آستانه الرضویة المقدسة*، مجمع البحوث الإسلامية: مشهد

ابوالفتح آمدی، *غرر الحکم و درر الکلم*، ناشر: دارالکتاب الاسلامی

اینز، مارتین (۱۳۹۶)، *فهم کنترل اجتماعی*، کمال رضوی، انتشار در سایت شخصی

<http://facultymembers.sbu.ac.ir>

بحارالانوار، مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، محقق/مصحح: جمعی از محققان، *دراحياء التراث العربی*،

بیروت، ۱۴۰۳ قمری، چاپ دوم، ج ۷۵، ص ۴۶، باب ۱۶ (ماجمع من جوامع کلم امیرالمومنین صلی الله علیه و

علی ذریته)، ح ۵۷.

دیلمی، حسن بن ابی‌الحسن (قرن هشتم)، *ارشاد القلوب*، ناشر: رضی، تاریخ نشر ۱۴۱۲ ق.

راش، مایکل (۱۳۸۱)، *جامعه و سیاست، مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی سیاسی*، ترجمه منوچهر صبوری، تهران:

انتشارات سمت.

ستوده، هدایت‌الله (۱۳۸۶)، *آسیب‌شناسی اجتماعی: جامعه‌شناسی انحرافات*، تهران: انتشارات آوای نور.

سلیمی، علی و محمد داوری (۱۳۹۴)، *جامعه‌شناسی کجروی*، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

فصلنامه آفتاب خرد، پاییز ۱۳۹۹، دوره ۵، شماره ۳، پیاپی ۱۳

سیدامامی، کاووس (۱۳۸۹)، *جامعه‌شناسی دین، از کتاب سیاست، دین و فرهنگ*، انتشارات دانشگاه امام صادق، صص ۴۳۱-۴۱۷.

شورای نویسندگان، (۱۳۷۹). *اعتیاد؛ پیشگیری یا درمان*. انتشارات نیکوروش
شیخ صدوق (قرن چهارم هجری قمری)، *الأمالی للشیخ الصدوق*، ناشر، مؤسسه‌الاعلمی للمطبوعات.
شیخ طوسی (۴۱۳ هجری قمری)، *تهذیب الأحکام*، ناشر: دار التعارف للمطبوعات
صدیقی، محمد علی (۱۳۸۳)، *شیوه‌های نظارت و کنترل در مدیریت اسلامی با تاکید بر مدیریت حضرت علی (ع)*، همایش تخصصی ناجا و نظارت همگانی؛ راهبردها و راهکارها؛ تهران.
علی بن محمد آمدی (۱۹۸۷)، *الاحکام فی أصول الاحکام*، ج ۱: المکتب الاسلامی
قنادان، منصور، ناهید مطیع و هدایت الله ستوده (۱۳۸۳)، *جامعه‌شناسی (مفاهیم کلیدی)*، تهران: آوای نور، صص ۲۱۰-۲۰۷.

کلینی، محمد بن یعقوب (۳۲۹ ق)، *اصول الکافی (احادیث شیعه؛ نقد و تفسیر)* ترجمه و شرح فارسی محمدباقر کمره‌ای، تهران: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی.
کوزر، لیویس (۱۳۷۶)، *زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی*، محسن ثالثی، تهران: انتشارات علمی
کوئن، بروس (۱۳۸۰)، *مبانی جامعه‌شناسی*، ترجمه محسن ثالثی، تهران: انتشارات طویبا.
کوئن، بروس (۱۳۸۷)، *مبانی جامعه‌شناسی*، ترجمه دکتر غلامعباس توسلی و دکتر رضا فاضل، تهران: انتشارات سمت.

گولد، جولیس و ویلیام ل کولب (۱۳۸۵)، *فرهنگ علوم اجتماعی*، ترجمه مصطفی ازکیا. تهران: مازیار، صص ۷۵.

محمد بن الحسن الحر العاملی (۱۴۱۲ق)، *تفصیل وسائل الشیعه‌الی تحصیل مسائل الشریعه*، تحقیق: محمد رضا الحسینی الجلالی، قم: نشر موسسه آل‌البتیت علیهم‌السلام.
محیط طباطبائی، محمد (۱۳۶۹)، *هربرت اسپنسر و زندگانی او*، مجله‌تعلیم تربیت (آموزش و پرورش)، شماره ۳۴ و ۳۵.

میرزا حسین النوری الطبرسی (۱۳۲۰ - ۱۲۵۴ ق) *مستدرک الوسائل*، المجلد ۱ الی ۲۸، قم: ناشر: موسسه آل‌البتیت(ع).

میرکمالی، سیدمحمد (۱۳۸۳)، *رهبری و مدیریت آموزشی*، تهران: نشر یسپرون
همیلتون، مالکوم (۱۳۹۴)، *جامعه‌شناسی دین*، محسن ثالثی، نشر ثالث، چاپ اول.
وارد، کیت (۱۳۹۴)، *در باب دین؛ معنا، رویکرد و آینده*، سودابه کریمی، انتشارات حکمت.

<https://farsi.khamenei.ir/newspart-print?tid=1403&npt=8>

meier,r (1982), *perspectives on the concept of social control*, annual review of sociology.

Horwitz,a (1990), *the logic of social control, new York*: plenum press

Ross, E.A. (2009& 1901), *Social Control: Control A Survey of the Foundations of Order*, New Jercy (Piscataway): Transcation Publishers